[**شناختی کوتاه پیرامون حضرت معصومه سلام الله علیها**](http://www.abdulazim.com/fa/%D8%B5%D9%81%D8%AD%D9%87/%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C-%DA%A9%D9%88%D8%AA%D8%A7%D9%87-%D9%BE%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%88%D9%86-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%B5%D9%88%D9%85%D9%87-%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7)

زندگی حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ به دو دوره مهم تقسیم می‎شود : تولد و كودكی در مدینه ,  حضرت در راه ایران و قم.

**تولد و كودكی در مدینه**
حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ یكی از بانوان با فضیلت و با شخصیت خاندان اهل بیت ـ علیهم السّلام ـ می‎باشد. پدر بزرگوار او حضرت «موسی بن جعفر» امام هفتم شیعیان می‎باشد. مادر گرامی حضرت معصومه «نجمه» مادر بزرگوار امام رضا ـ علیه السّلام ـ می‎باشد. نجمه از بانوان با فضیلت و از اسوه‎های تقوا و شرافت و از مخدرات كم نظیر تاریخ بشریت است.[1[
درباره زمان تولد و وفات فاطمه معصومه ـ سلام الله علیها ـ آن چه مسلم است این است كه زمان تولد آن حضرت پیش از سال یكصد و هفتاد و نه هجری بوده است زیرا بنابر نقل شیخ كلینی در شوال 179 هارون الرشید امام موسی بن جعفر ـ علیه السّلام ـ پدر حضرت معصومه ـ علیه السّلام ـ را از مدینه به بغداد برد و در آن جا در ماه رجب 183 از دنیا رحلت فرمود. [2]
و بنابر مدت عمر حضرت معصومه كه از 23 سال كمتر است، نمی‎تواند بعد از سال 179 باشد چون در آن سال‎ها پدرش در زندان بود. پس تاریخ ولادت آن حضرت به طور دقیق مشخص نیست ولی طبق اسناد به دست آمده ولادت آن حضرت را در مدینه در سال 173 نقل می‎كنند.[3]
درباره تعداد فرزندان حضرت موسی بن جعفر ـ علیه السّلام ـ و این كه چند تن از آن‎ها فاطمه نام داشته‎اند اختلاف است. شیخ مفید تعداد آنان را سی و هفت تن ذكر كرده است؛ نوزده پسر و هجده دختر كه دو تن از دختران، فاطمه نام داشتند. فاطمة‌الكبری و فاطمة الصغری.[4] حضرت فاطمه معصومه بعد از امام رضا ـ علیه السّلام ـ از دیگر فرزندان حضرت موسی بن جعفر ـ علیه السّلام ـ فاضل‎تر و دارای مقامی شامخ‎تر می‎باشد.
با گذشت ایام، حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ هم دوران خردسالی را پشت سر گذاشت. و در این سال‎ها محل رشد آن حضرت خاندانی بود كه او را با دریایی از علم و معرفت رو به رو ساخت. ولی بیش از ده بهار از عمر شریفش نگذشته بود كه پدر بزرگوارش با زهر جفا در زندان هارون به شهادت رسید و دریایی از غم و اندوه بر قلب شریفش فرو ریخت كه در این ایام غم و تنهایی، تنها مایه تسلی او، برادرش امام رضا ـ علیه السّلام ـ بود كه ناگهان «مأمون» وجود اقدس امام هشتم را از كانون خانواده جدا نمود و به اجبار به خراسان جلب كرد و به اقامت اجباری در خراسان وادار نموده. حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ دوری یك ساله فراق برادر را تحمل كرد.

**حضرت معصومه در راه ایران و قم**
یك سال بعد از رفتن حضرت علی بن موسی الرضا ـ علیه السّلام ـ به سرزمین خراسان یعنی در سال 201 هـ حضرت معصومه ـ علیهاالسّلام ـ خواهر حضرت رضا، برای زیارت برادر از مدینه به مقصد خراسان حركت كرد یا به موجب نقلی كه چندان اعتبار ندارد طبق دعوت برادر رهسپار خراسان شد. چون آن حضرت با همراهانش وارد ساوه شد، بیمار و رنجور بود[5] و می‎دانست در آن نزدیكی شهری است به نام قم كه مردم آن از دوست‎داران اهل بیت اطهار هستند. از این امر چنین استنباط می‎شود كه آوازه تشیع مردم قم و علاقه شدید ایشان به اهل بیت به مدینه هم رسیده بود.
در هر حال، حضرت پرسید میان ما و قم چند فرسخ فاصله است. گفتند: ده فرسخ و حضرت دستور حركت به سوی قم را صادر كردند. در اینجا معلوم نیست كه آیا مردم قم از آمدن حضرت فاطمه معصومه ـ علیهاالسّلام ـ به ساوه اطلاع یافته و به استقبال آن حضرت رفته‎اند و با تجلیل و احترام به قم آورده‎اند، یا خود او به طرف قم حركت كرده است. طبق نقل كتاب قم، روایت صحیح و درست این است كه چون خبر به آل سعد رسید با هم اتفاق كردند كه از او درخواست كنند به قم بیاید. از میان ایشان، موسی بن خزرج بن سعد اشعری بیرون آمد، و چون به شرف ملازمت حضرت فاطمه رسید زمام ناقه او بگرفت و به جانب شهر بكشید و به در سرای خود فرود آورد.[6] از این نقل معلوم می‎شود كه حضرت فاطمه معصومه ـ علیها السّلام ـ به طرف قم حركت كرده بود و موسی بن خزرج در اثنای راه به وی رسیده بوده است.
محل سرای موسی بن خزرج و حجره‎ای كه حضرت معصومه در آن به عبادت می‎پرداخته اكنون معین و زیارتگاه است. گویا در این سخن اختلافی نباشد كه حضرت فاطمه معصومه ـ علیهاالسّلام ـ مدت هفده روز در آن محل توقف داشته و پس از آن رحلت فرموده است. بنابر نوشته كتاب قم، بعد از غسل دادن و كفن كردن و نماز گزاردن بر جسد مطهر او، موسی بن خزرج آن حضرت را در زمینی در بابلان (همین محل فعلی) نیمه دوّم قرن چهارم كه به او تعلق داشت دفن كرد و بر سر تربت او سایه‎بانی درست كرد.
نویسنده كتاب قم می‎نویسد:
روایت كرد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابوبه از محمد بن حسن بن احمد بن الولید و او از راویان دیگر، كه چون حضرت فاطمه وفات یافت بعد از غسل و تكفین او را به مقبره بابلان بردند و در كنار سردابی گذاشتند. آل سعد (اشعری) با یكدیگر اختلاف كردند در این باب كه چه كسی سزاوار است در سرداب رود و فاطمه را بر زمین بگذارد و به خاك سپارد كه در این هنگام از جانب ریگستان دو سوار كه جلو دهان خود را بسته بودند بدان جا آمدند چون به جنازه فاطمه رسیدند، از اسب پیاده شدند و بر او نماز گزارده و در سرداب رفتند و جسد مطهر او را دفن كردند و بر هیچ كس معلوم نشد كه آن دو سوار كه بودند.[7]
بدون هیچ اختلافی سال وفات آن حضرت را یقیناً 201 هـ نقل كرده‎اند ولی در این كه در چه روز و ماهی از این سال بوده اختلاف می‎باشد كه بعضی دهم ربیع الثانی را قوی می‎دانند.[8]

**حضرت معصومه (سلام الله علیها) و قم**
گویا آوازه تشیع مردم قم در زمان حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ،‌ تا به مدینه رسیده بوده و حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ از وجود این شهر و ارادت و محبت مردم آن، نسبت به خاندان پیغمبر ـ صلّی الله علیه و آله ـ اطلاع داشته است.
وضع قم از نظر شهری آن طور كه یعقوبی نوشته است، دو قسمت بوده كه به مجموع این دو قسمت قم می‎گفته‎اند و رودخانه از میان آن دو می‎گذشته است.[9] امّا بخاطر دفن حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ در این شهر و به واسطه موقعیت ممتاز فاطمه معصومه ـ سلام الله علیها ـ در میان دیگر امامزادگان، به كلی وضع این شهر تغییر یافت. نخست این كه شهر قم به تدریج از شمال شرقی، به جنوب غربی كه محل دفن آن حضرت بود كشیده شد، به طوری كه حرم فاطمه معصومه ـ سلام الله علیها ـ كه در فاصله‎ای از شهر قرار داشت امروز در مركز شهر و در آبادترین قسمت آن واقع است. تأثیر دیگر حضرت معصومه ـ سلام الله علیها ـ به قم، توجه پادشاهان و امراء و طبقات گوناگون مردم به این شهر و كوچ بسیاری از افراد اطراف برای اقامت در آن است.
قم دارای جنبة مذهبی مخصوص شد و مركز روحانیت شیعه قرار گرفت و عده‎ای از بزرگان علمای شیعه از آن جا برخاستند یا در آن اقامت كردند كه امروزه به بركت این بانوی بزرگ، قم به یك مركز بزرگ علمی، فرهنگی و پژوهشی دنیا تبدیل شده و صدها مدرسه علمی و مراكز تحقیقاتی و كتاب‎خانه‎های مجهز مشغول فعالیت‎های علمی و فرهنگی در حوزه اسلام و تشیع می‎باشد

منابع:
[1] صدوق، عیون الاخبار، ج 1، ص 14؛ طبرسی، اعلام الوری، ص 302؛ طبری، امامی، دلائل الامامت، ص 309؛ اثباة الهداة، ج 3، ص 233؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 396.[2] اصول كافی، محمد بن یعقوب كلینی، ج 2، كتاب الحجة.
[3] مستدرك سفینه، شیخ علی نمازی، ج 8، ص 257.[4] الاِرشاد، محمد بن نعمان (مفید)، ج 2، ص 242.
[5] كتاب قم، ص 213.[6] همان، ص 213.[7] كتاب قم، ص 312.[8] تاریخ قم، حسن قمی، چ قم، ص 213؛ بحار الانوار، ج 48، ص 290؛ اعیان الشیعه، ج 8، ص 391؛ انوار المشعشعین، ج 1، ص 208.
[9] فتوح البلدان، بلاذری، ص 40.(مختاراصلانی تبیان)